

علت‌یابی اقدامات تروریستی بر پایه نظریات جرم‌شناختی

(مقاله علمی - پژوهشی)

نوروز کارگری*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵

چکیده

امروزه اقدامات تروریستی به عنوان اقداماتی جهانی تا حدی گسترش یافته که جهان را به طور کلی درگیر کرده است. اقدامات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در سطح بین‌المللی آغاز راهی بود برای برخوردهای قهرآمیز و شروعی بود برای جنگ‌افروزی و هم‌زمان منجر به قوانین سخت‌گیرانه‌ای در سطح داخلی شد که بسیاری از مرزهای حقوق کیفری را جابه‌جا کرد. با این حال، نتوانست باعث جلوگیری از این حوادث شود؛ کما آنکه نسخه‌ی مدرن خشونت و وحشیگری را در چند سال اخیر در قالب گروه تروریستی موسوم به داعش شاهد بودیم. این واقعیت گویای آن است که برخورد، راه قابل اطمینانی برای مقابله با حوادث تروریستی نیست و دیدگاه‌های نرم جرم‌شناسی می‌تواند به صورت موازی مورد استفاده قرار گیرد تا اینکه امید به مقابله با اندیشه‌های تروریستی را قوت بخشد. پژوهش حاضر به شیوه‌ی تحلیلی با نگاهی به برخی از نظریه‌های جرم‌شناسی انجام گردیده است و آنچه که در نهایت از آن به دست می‌آید، این واقعیت است که با فراهم کردن زمینه‌های یکدستی و اجتناب از بیگانگی‌گرایی در جامعه می‌توان زمینه‌های گفتگو و اعتراض را به گونه‌ای فراهم کرد که خشونت جای خود را به اعتراض مدنی بدهد.

کلید واژگان:

تروریسم، جرم‌شناسی، بیگانگی‌گرایی، اعتراض مدنی، خشونت.

* استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران

مقدمه

برای آغاز بحث جرم‌شناختی در مورد تروریسم می‌توان ابتدا این پدیده را تجزیه کرد تا شناختی بهتر از آن به دست آید. برای تفکیک و تجزیه عناصر تشکیل‌دهنده پدیده تروریسم می‌توان ابتدا به محور اصلی آن اشاره کرد. محور اقدامات تروریستی را خشونت تشکیل می‌دهد و از این رو اگر بخواهیم در حوزه جرم‌شناسی در پی یافتن نظریه‌های مرتبط و استفاده از آنها در راستای شناخت بهتر موضوع تروریسم باشیم، می‌توان به صورت مستقیم به سراغ نظریه‌های مربوط به خشونت رفت؛ چراکه بسیاری از خشونت‌ها دارای منشأ واحد و مشترک با اقدامات تروریستی هستند.^۱ با این حال، لازم است که ابتدا منابع خشونت را به طور کلی دریابیم و سپس تفاوت تروریسم را با سایر انواع جرایم و خشونت‌ها پیدا کنیم. حتی اگر از نظر تئوری نتوانیم چنین مرزی را بین این دو ترسیم کنیم، از نظر عملی تفاوت در برخورد را می‌توان مشاهده کرد. جرایم غیرتروریستی با مدیریت محوری دستگاه عدالت کیفری و با رویکرد قانونی مورد برخورد قرار می‌گیرند و اقدامات تروریستی با محوریت نهادهای امنیتی و با رویکرد سیاسی. از آنجایی که این دو برخورد در عمل می‌تواند منجر به پیامدهای بسیار متفاوت گردد، در مباحث تئوری نیز چاره‌ای باقی نمی‌ماند، مگر آنکه مرزبندی دقیقی بین این دو ترسیم گردد.

آغاز بحث در جرم‌شناسی همواره از یک دسته‌بندی دوگانه از نظریه‌ها آغاز می‌شود؛ آیا جرم محصول یک وضعیت ذاتی در افراد است یا محصول یک عامل اجتماعی مانند تحصیلات، خانواده و ...^۲ از دسته اوصاف ذاتی می‌توان دو عامل اساسی را در ظهور خشونت نام برد: سن و جنسیت.^۳ مانند خشونت‌های خیابانی به عنوان نمونه جرایم خشن غیرتروریستی، از حیث آمار

1. LaFree, Gary and Laura Dugan, *How Does Studying Terrorism Compare to Studying Crime?* in *Terrorism and Counter-Terrorism: Criminological Perspectives*, edited by Mathieu Deflem (Amsterdam: Elsevier, 2004).

2. Hirschi, Travis, *Causes of Delinquency* (Berkeley, CA: University of California Press, 1969).

۳. در کنار اوصاف شخصی ذاتی، برخی از اوصاف شخصی اکتسابی نیز وجود دارند که می‌توانند زمینه‌ساز ارتکاب جرایم باشند. در خصوص جرایم تروریستی نیز این اوصاف قابل استناد است. برای مطالعه در خصوص یکی از شناخته‌شده‌ترین این موارد رک: مهرا، نسرین و نوروز کارگری، **تروریسم یک نشانه روانی-اجتماعی یا یک ابزار سیاسی**، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۸. در کنار این عوامل، برخی تمایل به خودکشی را نیز به عنوان یکی از زمینه‌های روان‌شناختی فردی برای ارتکاب جرایم تروریستی می‌دانند. (رک: مبلغی، عبدالمجید و طیبه محمدی کیا، **روان‌شناسی اجتماعی تروریسم و**

مرتکبین جرایم تروریستی اغلب مذکرند و در سنین جوانی قرار دارند. گرچه استثنائات مهمی در این میان در خصوص جرایم خیابانی و نیز جرایم تروریستی و خشونت‌آمیز وجود دارد، با این حال، غلبه این وصف ذاتی در خصوص مرتکبان جرایم تروریستی امری است که کمتر قابل مناقشه است.^۱ جرم‌شناسان به طور کلی برخی از رویکردها را در مطالعات جرم‌شناختی مطرح می‌کنند که ارتباط بین سن و خشونت را بر اساس نظریه‌های فرایند زندگی^۲ توضیح می‌دهد. این نظریه‌ها در پی آن هستند که مراحل مختلف زندگی و ارتباط بین سن، خشونت و جرم را شرح و توضیح دهند.^۳ چشم‌انداز فرایند زندگی اثبات کرده است که افرادی که در سنین جوانی مرتکب جرم می‌شوند، این اقدام را به عنوان ابزاری برای توسعه و ماندگاری روابط اجتماعی خود انجام می‌دهند و تنها تعداد کمی از این افراد از دسته پردشدگان یا تباهان اجتماعی هستند.^۴ تحقیقی که در خصوص تروریست‌کنندگان انتحاری توسط رابرت پایپ انجام شده است، گرایش بیشتر بمب‌گذاران جوان را به سمت این اقدامات در مقایسه با افراد دیگر تأیید می‌کند.^۵ پروژه تحقیقاتی پایپ، پایگاه اطلاعاتی متشکل از ۴۶۲ مورد از افرادی را که در فاصله ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ مرتکب اقدامات انتحاری شده بودند، گردآوری کرد. ۵۰ درصد از این حملات تروریستی توسط انتحارکنندگان عرب در لبنان و فلسطین انجام شده بود که این افراد در ارتباط با القاعده بودند و از ۵۰ درصد باقیمانده، بیشتر انتحارکنندگان کرد، چچنی یا از اعضای تامیل بودند. بر اساس نتیجه مطالعات این گروه، جنسیت ۸۲ درصد، سن ۶۲ درصد، تحصیلات ۶۷ درصد و درآمد ۷۷ درصد در وقوع این اقدامات مؤثر بودند.

→ نسبت آن با امنیت (بررسی تروریسم از منظر روان‌شناسی اجتماعی و تحلیل رابطه آن با

امنیت)، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۲۱، صص ۲۲۱ و ۲۲۲.

1. Mednick, Sarnoff, Terrie E. Moffitt and Susan A. Stack, *The Causes of Crime: New Biological Approaches* (New York: Cambridge University Press, 1987); Raine, Adrian, *The Biological Basis of Crime*, in James Q. Wilson and Joan Petersilia, editors, *Crime: Public Policies for Crime Control* (Oakland, CA: ICS Press, 2002); Wilson, James Q. and Richard J. Herrnstein, *Crime and Human Nature: The Definitive Study of the Causes of Crime* (New York: Free Press, 1998).
2. Life Course
3. Laub, John H. and Robert J. Sampson, *Shared Beginnings, Divergent Lives: Delinquent Boys to Age 70* (Cambridge, MA: Harvard University Press, 2006); Sampson, Robert J. and John H. Laub, *Crime in the Making: Pathways and Turning Points Through Life* (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1993); Thornberry, Terence P., *Developmental Theories of Crime and Delinquency* (New Brunswick, NJ: Transaction, 1997).
4. Laub, John H. and Robert J. Sampson, Op.cit.
5. Pape, Robert A., *Dying to Win: The Strategic Logic of Suicide Terrorism* (New York: Random House, 2005)

پایپ و همکارانش در این پژوهش به این نتیجه دست یافتند که جنسیت تنوع بیشتری در بین گروه‌های تروریستی دارد؛ به نحوی که در بین گروه‌های تروریستی وابسته به القاعده هیچ زنی وجود ندارد؛ در حالی که بیش از نیمی از انتحارکنندگان چچنی و کردها را زنان تشکیل می‌دهند. نسبت جنسیتی در گروه‌های مختلف به این صورت است: القاعده صفر درصد، گروه‌های فلسطینی ۵ درصد، گروه‌های لبنانی ۱۶ درصد، ببرهای تامیل ۲۰ درصد، چچنی‌ها ۶۰ درصد و پ ک ک ۷۱ درصد. با توجه به ادعای گفته‌شده که اقدامات تروریستی از بسیاری جهات با فعالیت‌های خشونت‌آمیز خیابانی مشابهت دارند، ذکر این نکته لازم است که اگر چه شباهت‌هایی بین بزهکاران خیابانی و تروریست‌ها از حیث گرایش به سمت خشونت وجود دارد، با این حال باید توجه داشت که تفاوت‌های قابل توجهی نیز بین این دو گروه وجود دارد؛ از جمله اینکه تروریست‌ها اغلب دارای تحصیلات بیشتر بوده و از نظر مالی نیز شرایط بهتری را در مقایسه با بزهکاران خیابانی دارند.^۱

آن گونه که از یافته‌های پژوهش‌های فوق برمی‌آید، اقدامات تروریستی می‌تواند تابع دیدگاه‌های جرم‌شناختی شناخته‌شده در حوزه مطالعات این حوزه باشد. گرچه این ادعا به این معنا نیست که می‌توان این دسته از خشونت‌ها را همانند سایر اقدامات خشونت‌آمیز صرفاً با استفاده از تحلیل‌ها و نظریه‌های جرم‌شناسی پوشش داد، با این حال پرداخت به این موضوع در قالب رویکردهای پذیرفته‌شده در حوزه جرم‌شناسی می‌تواند در شناخت و پیشگیری از این اقدامات مؤثر واقع شود.

۱. نظریه ناهنجاری دورکیم

یکی از نخستین نظریه‌های جامعه‌شناسی که در حوزه جرم‌شناسی در توجیه وقوع پدیده‌های مجرمانه مورد بررسی قرار می‌گیرد، نظریه ناهنجاری یا آنومی متعلق به امیل دورکیم است. به طور خلاصه، این نظریه ریشه خشونت را در بی‌هنجاری می‌داند. متعاقباً مطالعات دورکیم الهام‌بخش رابرت مرتون و دیگران شد تا فهم ما را درباره خشونت توسعه دهد.^۲ از نظر دورکیم،

1. Ibid; Sageman, Marc, *Understanding Terror Networks* (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2004).

۲. می‌توان گفت که نظریه ناهنجاری دو صاحب‌نظر اصلی دارد: دورکیم که مبدع نظریه است و مرتون که توسعه‌دهنده آن است. اگر این نگاه را بپذیریم، نظریه فشار مرتون در طول نظریه ناهنجاری دورکیم مطرح

آنومی به وضعیتی در یک جامعه اطلاق می‌شود که در آن، هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر فرد از دست بدهد. در چنین شرایطی، افراد دیگر برای اقتدار اخلاقی جامعه احترام قائل نیستند. بنابراین، افراد دچار احساس تشویش، سردرگمی و فقدان راهنمای اخلاقی می‌شوند، تقاضاها و خواهش‌های مادی آنها بی‌حساب و کتاب افزایش می‌یابد و خودخواهی‌ها بر آنها غلبه می‌کند.^۱ با این توصیف که در مواردی محرومیت و فقدان موفقیت و شانس کافی برای پیشرفت^۲ در افراد، منجر به بروز نوعی بیگانگی می‌شود که این بیگانگی منجر به وقوع خشونت یا جرم خواهد شد. دورکیم ضمن تأکید بر اهمیت اقتصاد و به ویژه پیامدهای منفی بی‌نظمی و آشفتگی در حوزه اقتصاد بر جامعه، تلاش دارد تا این تصور ساده را که بحران‌های اقتصادی به دلیل فقری که ایجاد می‌کنند، منتج به پیامدهای منفی اجتماعی می‌شوند، رد کند. استدلال او این است که اگر مسائل اجتماعی ناشی از بحران اقتصادی و فقر ناشی از آن باشد، طبیعتاً در شرایط رفاه و رونق اقتصادی نباید با این مسائل مواجه باشیم، حال آنکه برخی از مسائل اجتماعی چون خودکشی، هم در شرایط رونق و هم در شرایط رکود اتفاق می‌افتد. پس علت این مسائل را باید در جای دیگری جستجو کرد. از نظر دورکیم، فقر نه تنها اثر تشدیدکننده‌ای بر مسائل اجتماعی ندارد، بلکه حتی اثر معکوس دارد.^۳ این بحران‌ها فارغ از ماهیت آن، بر اساس نگاه مطرح‌شده دورکیم می‌تواند به جداسازی و بیگانگی افراد در جامعه گردد. با این حال، بی‌تردید این بدان معنا نیست که همه افراد جامعه باید از یک موقعیت مشابه برخوردار باشند تا از این بی‌نظمی یا ناهنجاری اجتناب شود.

→ می‌شود. (رک: نایی، هوشنگ، سعید معیدفر، سید حسین سراج زاده و ایرج فیضی، **تئوری آنومی دورکیم و مرتن؛ شباهت‌ها، تفاوت‌ها و شبوه‌های اندازه‌گیری**، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفدهم، پاییز ۹۶، شماره ۶۶). با این حال، در این مقاله به جهت رعایت تفکیک‌بندی پذیرفته‌شده در نظریه‌های جرم‌شناسی، این دو از هم تفکیک شده‌اند.

۱. عباس‌زاده، محمد، محمد باقر علیزاده اقدم و سید رضا اسلامی بناب، **بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی**، مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱، ص ۱۴۹.
۲. مجموع این موقعیت‌ها را می‌توان در نوشته‌های جامعه‌شناسی تحت عنوان «سرمایه اجتماعی» مشاهده کرد. این مفهوم ابتدا در نوشته‌های مارکس ظاهر شده و پس از آن مورد استفاده جامعه‌شناسان قرار گرفت. برای اطلاعات بیشتر در خصوص این مفهوم، رک: همان، صص ۱۴۷-۱۴۸.
۳. نایی، هوشنگ و دیگران، پیشین، صص ۱۵ و ۱۶.

یکی از منابع اولیه این بیگانگی نبود سازمان‌یافتگی اجتماعی به معنای فقدان نهادهای نظم‌دهنده در جامعه است. این نبود سازمان‌دهی منجر به از بین رفتن مکانیسم‌های کنترل غیررسمی در جامعه می‌شود و در نهایت باعث ظهور الگوهای بدرفتاری خواهد گردید.^۱ ارتباط نظریه دورکیم با اقدامات تروریستی توسط برخی از نویسندگان تشریح گردیده است.^۲ بیگانه‌سازی ناشی از نابهنجاری، همراه با وسایل ارتباطی مدرن که توجهات را به سمت طبقه‌بندی‌های اجتماعی جلب می‌کند، تقویت می‌شود. طبقه‌بندی افراد به فقیر و غنی، تحصیلکرده و بی‌سواد و ... خود به معنای ترسیم مرز میان افراد جامعه است که نتیجه آن بیگانه‌گرایی خواهد بود. می‌توان پذیرفت که حداقل بخشی از توسعه سریع تروریسم در سال‌های اخیر ناشی از دسترسی به رسانه‌ها به عنوان ابزاری برای تبلیغ فعالیت‌های تروریستی است که این ابزار در گذشته به این نحو در اختیار گروه‌های تروریستی قرار نداشت و از این رو با وجود فقر و بی‌سوادی بسیار، زمینه‌ای برای نمود و بروز و تبلیغ آن در جامعه وجود نداشت.

بیگانه‌سازی می‌تواند محصول برنامه‌های تلقینی باشد که بر اساس آن برخی از ملت‌ها فقیر و بی‌سواد قلمداد می‌شوند و همین تلقین‌ها باعث می‌گردد که خلأ ناشی از بی‌سوادی یا فقر، با استفاده از ایدئولوژی‌های افراط‌گرایی دینی جبران شود. می‌توان ظهور روزافزون مدرسه‌های دینی با گرایش‌های افراطی در کشورهای فقیری همچون پاکستان و افغانستان را نمودی از این مکانیسم دانست. به علاوه که این مدرسه‌ها اغلب با استفاده از امکانات مالی برخی از مسلمانان ثروتمند کشورهای عربی تأمین مالی می‌شوند. باید توجه داشت که ارتباط مستقیمی بین مدرسه‌های دینی با اقدامات تروریستی وجود ندارد، بلکه گرایش‌های افراط‌گرایانه و هابی است که منجر به ظهور گرایش‌های خشونت‌آمیز در جامعه می‌شود.^۳ نمود مشابهی از چنین اقداماتی را

1. Bursik, Jr., Robert J., "Social Disorganization and Theories of Crime and Delinquency: Problems and Prospects," *Criminology*, Vol. 26 (November 1988), pp. 519-51.

2. Ahmed, Akbar S., *Islam under Siege* (Cambridge: Polity Press, 2003) Ahmed, Akbar S., *Journey into Islam: The Crisis of Globalization* (Washington, DC: Brookings Institution Press, 2007), Sageman, Marc, *Understanding Terror Networks* (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2004), and Sunstein, Cass R., "Fear Factor," *Los Angeles Times* (March 10, 2003a).

3. Pape, Robert A., *Dying to Win: The Strategic Logic of Suicide Terrorism* (New York: Random House, 2005); Wright, Lawrence, *Looming Tower: Al-Qaeda and the Road to 9/11* (New York: Knopf, 2006a).

در خصوص تأثیر اندیشه‌های دینی در ظهور اقدامات تروریستی رک: کارگری، نوروز، **دین و جرم (با تأکید بر ارتباط اسلام و جرایم تروریستی)**، فصلنامه تعالی حقوق، خرداد و تیر ۱۳۹۰، شماره ۱۱.

می‌توان در جنوب آسیا و در خصوص تأثیرات اندیشه‌های مارکسیسم- هندوئیسم بر اقدامات انتحاری بیرهای تامیل در سری‌لانکا دید. زمانی که یک جامعه بر اساس اندیشه غالب و قدرتمندتر که امر قضاوت در خصوص موقعیت‌های اجتماعی را دارد، نتواند قضاوت مثبتی را کسب کند، به سمت برون‌گرایی سوق داده می‌شود و همین موضوع باعث انتزاع آن گروه از تفکرات دیگر و تلاش برای حفظ مرزبندی خود با اندیشه‌های آن گروه‌ها می‌گردد.

موضوع بیگانه‌گرایی نسبت به برخی از اندیشه‌های اعتقادی عمدتاً به خاورمیانه، جنوب آسیا و اندونزی محدود شده است. گرچه میلیون‌ها مسلمان در نیمه دوم قرن بیستم برای فرار از فقر و ستم و یافتن موقعیت کاری بهتر به اروپا مهاجرت کردند، با این حال، این افراد که عمدتاً در فرانسه، انگلستان و آلمان اقامت گزیدند، اغلب در محل زندگی جدید خود زندگی آرام و صلح‌جویانه‌ای دارند؛ در حالی که مناطق گفته‌شده همچنان درگیر در اقدامات افراط‌گرایانه و خشونت‌گرایانه و تبلیغ خشونت در مراکز مذهبی خود هستند. این موضوع در خصوص مسلمانان مهاجر به اروپا مصداق ندارد؛ هر چند که این افراد به‌ویژه نسل‌های دوم و سوم، بیشتر خود را با هویت اسلامی خود تعریف می‌کنند تا با ملیت خود به عنوان یک فرانسوی، انگلیسی یا آلمانی.^۱ در اواخر قرن بیستم اقدامات گروه‌های افراطی با استفاده از پوشش‌های رسانه‌ای گسترده تا حد زیادی در معرض دید قرار گرفت و با اقدامات انتقام‌جویانه کشورهای اروپایی بعد حوادث ۱۱ سپتامبر مواجه شد. با این توضیح، در چنین مواردی خشونت محصول ناامیدی و بیگانه‌سازی است که از یک وضعیت مسموم همراه با حاشیه‌نشینی اجتماعی، بیکاری، القائات افراط‌گرایانه و بی‌توجهی دولت‌ها نشئت گرفته است.^۲

اگر با این دیدگاه به موضوع نگریسته شود، گسترش برنامه‌های آموزشی، کاهش فقر، از بین بردن افراط‌گرایی هم در بعد فرهنگی و هم در بعد دینی می‌تواند به عنوان راهکارهای

1. Kohut, Andrew and Bruce Stokes, *America against the World: How We Are Different and Why We Are Disliked* (New York: Times Books, 2006); Sullivan, Kevin and Joshua Partlow, "Young Muslim Rage Takes Root in Britain" *Washington Post* (August 13, 2006), pp. A1, 14.
2. Bawer, Bruce, *While Europe Slept: How Radical Islam is Destroying the West from Within* (New York: Doubleday, 2005); Kepel, Gilles, *The War for Muslim Minds: Islam and the West* (Cambridge, MA: Harvard University Press, 2005); Leiken, Robert S., "Europe's Angry Muslims," *Foreign Affairs* (July-August 2005); Roy, Olivier, *Globalized Islam: The Search for a New Ummah* (New York: Columbia University Press, 2004); Sullivan, Kevin and Joshua Partlow, "Young Muslim Rage Takes Root in Britain" *Washington Post* (August 13, 2006), pp. A1, 14.

مداخله‌جویانه‌ای برای مقابله با بیگانه‌سازی به عنوان یکی از منابع تروریسم قلمداد گردد.^۱ چنین مداخله‌هایی زمانی می‌تواند موفقیت‌آمیزتر باشد که وضعیت‌های پیرامونی و نمود آنها به عنوان اقدامات تروریستی بتواند به نحو بهتری مدیریت شود.^۲

۲. نظریه‌های فشار و محرومیت

مرتون، تلقی دورکیم از آنومی را در قالب نظریه فشار خود بسط داد. او در توضیح دلایل تفاوت نرخ جرم در بین طبقات بالا و پایین ادعا کرد که دو ساختار در بروز جرم و انحراف دخیل است: ساختار اول، اهداف و آرزوهایی است که به لحاظ فرهنگی تعریف شده و تمام افراد جامعه در طول زندگی خواهان آن هستند. ساختار دوم، وسایل و راه‌های نهادینه‌شده برای رسیدن به آن اهداف و آرزوهاست. در سطح خرد، زمانی که فرد شیوه‌های تأییدشده برای دستیابی به اهداف خود نداشته باشد، مستأصل شده و به وسایل نامشروع متوسل می‌شود.^۳ این وسایل نامشروع رفتارهایی است که از نظر حقوقی بر آنها اطلاق جرم صورت می‌گیرد. زمانی که فشارها و محدودیت‌ها در حوزه سیاسی مطرح شود و واکنش‌ها در همین حوزه ظهور یابد، می‌توان انتظار داشت که برخی از رفتارهای تروریستی به ظهور برسد.

از حیث تئوری، این نظریه نزدیک به نظریه آنومی دورکیم است؛ چرا که دو نظریه در خصوص تأثیرات فشار و محرومیت بر رفتارهای انسانی است. مطابق با نظریه فشار و محرومیت در جرم‌شناسی، افراد بیشتر در مواقعی در شرف ارتکاب جرم قرار می‌گیرند که احساس فقر، ننگ اجتماعی یا ناامیدی از موقعیتشان داشته باشند. این حس ناامیدی به طور معمول از یک آگاهی نشئت می‌گیرد، مبنی بر اینکه فرد به اندازه افراد متعلق به طبقه بالاتر در رفاه قرار ندارد و در تلاش برای ارتقای خود به طبقه بالاتر، اگر نتواند ابزارهای قانونی را استفاده کنند، به سمت ابزارهای غیرقانونی گرایش پیدا می‌کنند. می‌توان در نگاهی ساده و البته تاریخی، این نظریه را مصداقی از آن حکم کلی دانست که در یک نگاه شرعی، فقر را همسایه کفر می‌داند.

1. Ahmed, Akbar S. and Brian Forst, editors, *After Terror: Promoting Dialogue among Civilizations* (Cambridge: Polity Press, 2005); Tolson, Jay, "An Education In Muslim Integration: Could Islamic Schools Be Part of the Solution?" *U.S. News & World Report* (November 21, 2005), pp. 37-40.

2. Walker, Martin, "Europe's Mosque Hysteria," *Wilson Quarterly* (Spring 2006).

۳. عباس زاده، محمد و دیگران، پیشین، ص ۱۵۰.

این نظریه تأکید بر آن دارد که اهداف مشترک جامعه در کنار موقعیت‌های نابرابر برای نیل به آن اهداف می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جرم باشد. بر مبنای این نظریه، در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ این ایده توسعه یافت که قرار گرفتن در چنین موقعیت و وضعیتی باعث ظهور دشمنی افراد با جامعه می‌شود؛ به‌ویژه در مواردی که موقعیت‌های قانونی بسیار کمی در اختیار افراد قرار داشته باشد تا بتوانند از آن به عنوان راهکار جایگزین استفاده کنند.^۱ فقدان ابزارهای قانونی برای نیل به اهداف مشروع در اقدامات تروریستی را می‌توان به صورت مشخص در اقدامات خشونت‌آمیزی مشاهده کرد که مبنای آن اعتراض سیاسی به حاکمیت موجود است و به دلیل نبود این فضای انتقاد، پاسخ‌ها خشونت‌آمیز خواهد بود. هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی می‌توان این رویکرد را قابل اعمال دانست.

اگر بخشی از این محرومیت‌ها و یا شاید عمده این محرومیت‌ها ناشی از فقر باشد، سوال این است که آیا فقر منجر به بروز فشار می‌تواند به تنهایی به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز اقدامات تروریستی قلمداد شود؟ از یک سو عضوگیری گروه‌های تروریستی از بین افراد فقیر جامعه می‌تواند مؤید این امر باشد که فقر بر توسعه اقدامات تروریستی اثر مثبت می‌گذارد و باعث توسعه هر چه بیشتر گروه‌های تروریستی و به تبع آن افزایش فعالیت‌های تروریستی می‌شود. این تأثیر به اندازه‌ای است که نه فقط افراد فقیر جامعه که دولت‌های فقیر نیز می‌توانند به نوعی درگیر در این فعالیت‌ها باشند. شاید نمونه دولت افغانستان مثال خوبی در این زمینه باشد؛ کما اینکه گروه‌های مستقر در این کشور، نظیر القاعده، نیز عمدتاً از فقر به عنوان ابزاری برای جذب و به‌کارگیری افراد در گروه‌های خود استفاده می‌کنند. این موضوع در خصوص سایر کشورهای فقیر نظیر سودان نیز مصداق دارد. به‌ویژه که دولت‌های فقیر توان مقابله با گروه‌های تروریستی قدرتمند را نیز ندارند و از این رو به نوعی مرعوب یا همکار این گروه‌ها می‌شوند. با این حال، نگاهی متفاوت به مرتکبان اقدامات تروریستی نشان می‌دهد که از سوی دیگر تروریست‌هایی که در اقدامات یازده سپتامبر شرکت کردند، از نظر موقعیت اقتصادی و اجتماعی از طبقه متوسط جامعه بودند که نقیض استدلال نخست محسوب می‌شود. این موضوع در خصوص بسیاری از گروه‌های دیگر مانند گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق نیز قابل صدق است. از نظر شخصی

1. Cloward, Richard and Lloyd Ohlin, *Delinquency and Opportunity: A Theory of Delinquent Gangs* (New York: Free Press, 1960); Cohen, Albert K., *Delinquent Boys: The Culture of the Gang* (New York: Free Press, 1955).

نیز می‌توان رهبران القاعده، اسامه بن لادن و ایمن الظواهری، را مصداقی از تأیید این ادعا دانست؛ افرادی با موقعیت اقتصادی و اجتماعی قابل توجه که به صورت خلاف این قاعده درگیر در اقدامات تروریستی می‌شوند. از این رو، در خصوص تأثیر مستقیم فقر به عنوان یکی از شاخص‌های محرومیت، در وقوع حوادث تروریستی باید به نحو شکاکانه‌تری برخورد کرد؛ چرا که به طور کلی برخلاف این تصور عمومی که فقر را یک عامل اساسی در اقدامات انتحاری می‌داند، وضعیت اقتصادی خانواده‌های مرتکبین اقدامات انتحاری، تفاوتی با سایر خانواده‌ها ندارد.^۱

از سوی دیگر، تحقیقات متعددی انجام شده‌اند که همگی مؤید دلایلی هستند که نشان می‌دهد تروریست‌های انتحاری بیشتر از بین بخش‌های مرفه‌تر و باسوادتر هستند.^۲ یکی از این مطالعات، پژوهش صورت گرفته توسط رابرت پایپ است. تحقیقات پایپ در سال ۲۰۰۵ نشان داد که به نحو قابل توجهی بیشتر تروریست‌ها از خانواده‌های متعلق به طبقه متوسط و متوسط به بالا هستند.^۳ مطالعات دیگری نیز نشان می‌دهند که درگیر شدن در اقدامات تروریستی بیشتر ناشی از سطح آزادی‌های سیاسی در یک جامعه است تا ناشی از سطح فقر در جامعه.^۴ به این معنا که اقدامات تروریستی نمودی از انفجار اجتماعی ناشی از محرومیت‌های سیاسی است نه اقتصادی. با این توضیح که زمانی که مجال گفتگو برای بیان انتقادات فراهم نباشد، جامعه به سمتی گرایش پیدا می‌کند که مطالبات خود را با استفاده از خشونت بیان نماید و این یعنی ظهور اقدامات خشونت‌باری که به سادگی می‌توانند مصداق اقدامات تروریستی باشند. تحقیقات دیگری نیز در این زمینه نشان می‌دهد که گرچه درگیر شدن در اقدامات تروریستی تابعی از بیگانه‌گرایی است (که فقر نیز می‌تواند یکی از زمینه‌های این بیگانگی باشد)، با این حال، این بیگانه‌گرایی در خصوص افراد طبقه متوسط و بالاتر به دلایل متفاوت قدرتمندتر است و از ناتوانی در انتخاب

1. Merari, Ariel, *Social, Organizational and Psychological Factors in Suicide Terrorism*, in Bjorgo, Tore (ed), *Root Causes Terrorism: Myths, Reality and Ways Forward*, London and New York, Rutledge, 2005, p 76.

2. Barro, Robert, "The Myth that Poverty Breeds Terrorism," **Business Week** (June 10, 2002); also available at:

http://www.businessweek.com/magazine/content/02_23/b3786027.htm; Krueger, Alan, *What Makes a Terrorist?* (Princeton, NJ: Princeton University Press, 2007).

3. Pape, 2005.

4. Abadie, Albert, "**Poverty, Political Freedom, and the Roots of Terrorism**," NBER Working Paper No. W10859 (October 2004); also available at <http://ksghome.harvard.edu/~aabadie/povterr.pdf>.

شغلی که فرد خود را مستحق آن می‌داند، سرچشمه می‌گیرد.^۱ این پژوهش مؤید آن است که توقعات اجتماعی تابعی از موقعیت اجتماعی افراد هستند و هر چه موقعیت اجتماعی بالاتر باشد، مطالبات اجتماعی نیز بیشتر است و به همین ترتیب، زمانی که فرد در رسیدن به این مطالبات ناکام بماند، احتمال بیگانه‌گرایی در وی بیشتر خواهد بود. پژوهشی در خصوص گروه‌های غیرمسلمان همچون ارتش سرخ ژاپن، گروه بادرماینهوف و بریگاد سرخ ایتالیا نشان داد که اکثر افراد این گروه‌ها تحصیل کرده، و دوسوم آنها دارای تحصیلات دانشگاهی، و در سرزمین اصلی خودشان از خانواده‌های متعلق به طبقه بالای متوسط هستند.^۲ از دیگر گروه‌های تروریستی که بر تخصص اعضای خود تکیه دارند، می‌توان به گروه آئوم شینریکیو اشاره کرد که به مدد تخصص اعضای خود در پی دست یافتن به سلاح‌های نوین و با قدرت تخریب بالاتر است.

نظریه فشار به طور مبنایی به عنوان توجیهی برای جرایم مرتبط با ناامیدی منبعث از فقر ایجاد شده است. با این حال، این نظریه به طور کلی به جرایم ناشی از استرس‌های اجتماعی نیز توسعه یافته است که اساساً ربطی به فقر ندارد. به عبارت دیگر، ظهور جرم و بزهکاری ناشی از برخورد منفی دیگران است و این برخوردهای منفی ناشی از عوامل مختلف هستند و می‌توانند آثار متفاوتی را نیز از خود به جا بگذارند؛ از ناامیدی گرفته تا عصبانیت و سرخوردگی می‌تواند گستره وسیعی را از پیامدهای این طرز برخورد شامل شود. با این توضیح، فقر تنها می‌تواند یکی از مؤلفه‌های ایجاد فشار روانی بر افراد باشد، ولی بی‌تردید جامعیت لازم را ندارد، به علاوه که به هم‌پیوستگی مؤلفه‌های برخورداری و رفاه و در تقابل با آنها محرومیت، امروزه در جامعه به گونه‌ای است که در بسیاری از موارد نمی‌توان آنها را از هم تفکیک کرد و اقدامات مجرمانه در واقع سازوکاری برای هماهنگی با وضعیت موجود است که راهی را برای برون‌رفت از فشار فراهم می‌آورد.

بر اساس این برداشت، ترور ابزاری است برای ورود در یک گفتگو و ارائه دیدگاه و طرح مطالبات با توسل به خشونت. خشونت در این فرایند، شیوه گفتگویی است که از جانب یک طرف مورد استفاده قرار می‌گیرد. این زبان، زبانی ترس‌آور و هراس‌انگیز است و زمانی ظهور می‌کند که

1. Sageman, Marc, *Understanding Terror Networks* (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2004).

2. Russell, Charles and Bowman Miller, "Profile of a Terrorist," in Lawrence Freedman and Yonah Alexander, editors, *Perspectives on Terrorism*, (Lanham, MD: SR Books, 1983), pp. 45-60.

کلمات، قدرت گفتگو و متقاعد کردن مخاطب را ندارند؛^۱ زیرا «هرگاه امکان یک گفتگو وجود نداشته باشد، هرگاه طرف گفتگو حاضر به شنیدن حرف‌های منطقی نگردد و بالاخره هرگاه طرف مقابل نتواند یا نخواهد وجود انسان دیگری را تحمل کند، آنگاه است که انسان برای اثبات وجود خود نعره می‌زند و حتی مرتکب خشونت می‌گردد.»^۲ این خشونت راهی است برای ابراز ناخرسندی که انتخاب آن تابعی است از یک تحلیل اقتصادی مبتنی بر هزینه و فایده و از این رو ظهور آن در افراد مختلف متفاوت خواهد بود.^۳

بر اساس این نگاه، فشار را می‌توان در یک دسته‌بندی سه‌گانه قرار داد: فشار مرتبط با از دست دادن چیزهای ارزشمند، فشار مرتبط با بی‌احترامی یا آزار و فشار مرتبط با از دست رفتن اهداف یا ناکامی در نیل به آنها.^۴ هر یک از این منابع سه‌گانه فشار را می‌توان به صورت یکسان در خصوص اقدامات تروریستی فردی قابل اعمال دانست یا اینکه در برخی مواقع یکی از این موارد می‌تواند از دو مورد دیگر قوی‌تر باشد. در نوارهای ویدئویی که از عاملان انتحاری قبل از اقدام به دست می‌آید، می‌توان دید که اغلب از یک داستان ناکامی سخن گفته می‌شود که مرتبط است با افرادی که مورد حمله واقع می‌شوند و در راستای انتقام یا برای اجرای عدالت دست به خشونت می‌زنند. داستان استعمارگری و اشغال کشورهای ضعیف در افغانستان و عراق را می‌توان نمونه‌ای دیگر از این فشار و تحمیل آثار آن دانست؛ تحمل بار تحقیر در جامعه خود و از دست دادن ارزش‌هایی که همیشه خود را برای آن نسبت به استعمارگران مستحق تر می‌دانسته‌اند. به همین دلیل است که مرتکبان این اقدامات اغلب خود را انتقام‌گر می‌دانند که در برخی از موارد می‌توان ترکیبی از ناامیدی، خشم، روحیه ایثار و از خودگذشتگی و موارد دیگر از این دست را نیز در اقدامات آنها مشاهده کرد.

۱. اتنهف، رنالد، **رهیافت جرم‌شناختی و بزه دیده‌شناختی به تروریسم (تحلیل جرم‌شناختی تروریسم)**، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۳۹، صص ۳۲۶-۳۲۳.

۲. گزارش کمیته مامور مطالعه در امر خشونت و بزهکاری، **پاسخ‌هایی به خشونت**، ترجمه مرتضی محسنی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۲۳.

۳. بورینه، ژاک، **تجزیه و تحلیل اقتصادی تروریسم**، ترجمه علیرضا طیب، در: تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفت‌وگو، گردآوری و ویرایش علیرضا طیب، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳.

4. Agnew, Robert, "Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency," *Criminology*, Vol. 30, No. 1 (February 1992), p. 50; Agnew, Robert, *Why Do Criminals Offend? A General Theory of Crime and Delinquency* (Los Angeles: Roxbury, 2005), p. 26.

۳. نظریه فعالیت‌های روزمره

بر اساس نظریه فعالیت‌های روزمره که توسط لورانس کوهن و مارکوس فلسون در سال ۱۹۷۹ مطرح شد، جرایم محصول سه عامل اساسی هستند: بزهکاران انگیزه‌مند، اهداف مناسب و نبود مراقبت‌های ویژه نسبت به اهداف. آن‌گونه که برای ایجاد آتش نیاز به سه عامل گرما، اکسیژن و سوخت وجود دارد، جرم نیز نیازمند این سه عامل اساسی است: الگوهای روزمره، کار و زمان هم‌پوشانی. این سه عامل در یک زمان و مکان مشخص، با وجود بزهکاران انگیزه‌مند و منطقی زمینه‌ساز فرصت‌های وقوع جرم بر اساس چنین الگوهایی هستند. این تئوری بیشتر به منظور توسعه کنترل‌های وضعی به منظور پیشگیری از وقوع جرم از طریق اعمال مراقبت توسعه یافته است. مراد از هدف مناسب این است که برای مجرم بالقوه باید چیزی با ارزش وجود داشته باشد. منظور از بزهکار بالقوه نیز فردی است که برای ارتکاب جرم انگیزه داشته باشد و نبود مراقبت ویژه نیز به فقدان افراد یا سایر عواملی تعبیر می‌شود که از اموال یا افراد آسیب‌پذیر محافظت کنند.^۱

جرم‌شناسان اغلب این نظریه را در خصوص جرایم خیابانی مورد بحث قرار می‌دهند. با این حال، با اجرای ایده سپر ضدگلوله می‌تواند برای پیشگیری جرایمی همچون سرقت از بانک‌ها، مغازه‌ها و منازل نیز مؤثر باشد. تجهیز سیستم هشداردهی در منازل به‌ویژه برای زمان‌هایی که صاحبخانه در منزل حضور ندارد، می‌تواند مصداق نوعی حمایت و مراقبت بیشتر از هدف باشد که در دل نظریه فعالیت‌های روزمره مطرح می‌شود. نکته‌ای که در خصوص نظریه فعالیت‌های روزمره وجود دارد، این است که نبود هر یک از اجزای سه‌گانه آن می‌تواند مانع از تحقق جرم شود. به این معنا تحت نظرداشتن بزهکاران بالقوه، حمایت از بزه‌دیدگان بالقوه یا مراقبت مناسب از اهداف جرم می‌تواند فرایند بزهکاری را مخدوش کند و این اقدامی است که می‌توان گفت تا قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا حد زیادی جلوی وقوع حوادث تروریستی چشمگیر را در آمریکا گرفته بود. اما نکته‌ای که باید بدان توجه داشت، این است که انجام همه اقدامات سه‌گانه فوق باعث تحمیل هزینه‌های بسیار از نظر اقتصادی و لطمه‌های بسیار به آزادی‌های افراد خواهد

۱. علیوردی نیا، اکبر و منا علیمردانی، **کاربست تجربی نظریه فعالیت‌های روزمره در بررسی رفتارهای انحرافی دانشجویان**، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و هشتم، شماره پیاپی ۶۷، پاییز ۹۶، شماره ۳، صص ۵ و ۶.

شد و این دقیقاً همان ایراداتی است که بر ایده‌های پیشگیری وضعی می‌توان وارد کرد.^۱ اقدامات علیه بزهکاران بالقوه می‌تواند به‌سادگی به نام امنیت‌گرایی در کشور باعث ظهور بزهکاران بالقوه و انگیزه‌مند بیشتری شود؛ زیرا که اساس اقدامات در سایه این نظریه به نوعی با بیگانه‌سازی و بیگانه‌ستیزی افراد همراه خواهد بود. از سوی دیگر، حمایت از اهداف آسیب‌پذیر منجر به آن خواهد شد که هزینه‌ها و منابعی که می‌تواند صرف مقابله فعال با اقدامات تروریستی شود، به شیوه‌ای انفعالی و در راستای اقدامات پیشگیری وضعی برای حمایت محافظه‌کارانه از اهداف خاصی مورد استفاده قرار بگیرد.^۲

واقعیت این است که تعداد اهداف جذاب و بزهکاران بالقوه بسیار زیاد است و منابع موجود برای حمایت از آنها بسیار اندک و از این رو نمی‌توان به اتکای منابع موجود، حمایت مؤثر و واقع‌گرایانه‌ای را از این اهداف بشمار به عمل آورد و انتظار داشت که اقدامات تروریستی با توسل به این حمایت‌ها از بین برود. با همین استدلال، برخی بر این باورند که هیچ راهی وجود ندارد که دولت‌ها بتوانند گستره کامل فجایع احتمالی را تخمین بزنند و برای پیشگیری از همه آنها اقدام کنند. از این رو توصیه می‌کنند که افراد باید هم از نظر فیزیکی و هم از نظر روانی خود را برای وقوع این وقایع آماده کنند؛ چرا که فقدان آمادگی می‌تواند زیان ناشی از این حملات را به نحو قابل‌توجهی افزایش دهد.^۳ به‌علاوه که توسل به این اقدامات در موارد بسیاری می‌تواند با حق افراد بر حریم خصوصی در تعارض قرار بگیرد یا آنکه باعث وضعیت امنیت‌گرایی در جامعه گردد. نکته‌ای که نباید فراموش کرد، این است که توسل به ابزارهای وضعی برای تغییر سبک زندگی یا کنترل آن در افراد از سوی دیگر می‌تواند با ویژگی برچسب‌زندگی خود باعث تشدید بیگانه‌گرایی در جامعه گردیده و به نوعی خود باعث زایش اقدامات تروریستی گردد.

۱. رک: صفاری، علی، **انتقادات وارده به پیشگیری وضعی از جرم**، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۵، پاییز ۱۳۸۰، شماره ۱۳۰؛ صفاری، علی و راضیه صابری، **ضوابط حقوقی-جرم‌شناختی پیشگیری وضعی از جرم**، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، پاییز - زمستان ۱۳۹۳، شماره ۸؛ بابایی، محمد علی و علی نجیبیان، **چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم**، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۷۵.

2. Belasco, Amy, *The Cost of Iraq, Afghanistan, and Other Global War on Terror Operations since 9/11* (Washington, DC: Congressional Research Service, November 9, 2007). Joseph E. Stiglitz and Linda J. Bilmes, *The Three Trillion Dollar War: The True Cost of the Iraq Conflict* (New York: W.W. Norton, 2008).

3. Posner, Richard A., "The 9/11 Report: A Dissent," *New York Times* (August 29, 2004).

۴. خرده‌فرهنگ‌های بزهکار

یکی از مسائلی که در خصوص اقدامات تروریستی قابل توجه است، اینکه چنین اقداماتی اغلب در دسته فعالیت‌های گروهی تقسیم‌بندی می‌شوند؛ به گونه‌ای که برخی اقدامات تروریستی را یک جرم سازمان‌یافته می‌دانند.^۱ این بدان معنا نیست که اقدامات تروریستی انفرادی موضوعاً منتفی است. با این حال، یک واقعیت که باید بدان توجه داشت، این است که حوادث تروریستی عمدتاً در نتیجه فعالیت گروه‌هایی رخ می‌دهند که با محورهای مختلفی گرد یکدیگر جمع شده‌اند. این محورها می‌تواند مبتنی باشد بر اعتقادات دینی یا مذهبی یا منبعث باشد از گرایش‌های ملی و قوم‌گرایانه و یا آنکه بر اساس اهداف و انگیزه‌های سیاسی طراحی شده باشد. عضویت در این گروه‌ها به نوعی حس غرور و وفاداری به اعضا می‌دهد و آنها را نسبت به ارتکاب اقدامات خشونت‌آمیز تشویق می‌کند. این دسته‌بندی‌ها در نظریه‌های جرم‌شناختی می‌تواند ذیل نظریه‌های خرده‌فرهنگ جای بگیرد که منبعث از فرهنگ اصلی جامعه، خشونت را در راه رسیدن به اهداف ترویج می‌کند. اساس نظریه‌های خرده‌فرهنگ این است که گروهی از افراد بنا به اشتراکات موجود گرد یکدیگر جمع می‌شوند تا از این طریق برای رسیدن به اهداف خود تلاش کنند. نظریه خرده‌فرهنگی بر آن است که گروه‌های دوستان می‌تواند بیشترین همبستگی را با رفتار بزهکارانه نوجوانان و جوانان داشته باشند؛ زیرا این گروه‌ها به دلیل جو عاطفی و غیررسمی حاکم بر آن برای نوجوانان و جوانان بسیار جذاب هستند و آنها ترجیح می‌دهند که بیشترین اوقات فراغت خود را در جمع دوستان و همسالان بگذرانند. بنابراین به تدریج دلبستگی اعضا به گروه همسالان بعضاً بزهکار و احساس تعهد به ارزش‌ها و هنجارهای

۱. شاملو، باقر، **تفکیک بین تروریسم و جرم سیاسی**، در: تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده به همایش) چاپ روزنامه رسمی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۴۰. مطابق این تعریف سازمان‌یافتگی یکی از عناصر اساسی تعریف تروریسم است ولی در یک پژوهش، سازمان‌یافتگی تنها ۱۴ درصد از اشتراکات را در اقدامات تروریستی تشکیل می‌دهد. رک: نقدی، حجت، «حقوق بین‌الملل و مبارزه با تروریسم»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۳۷۵، ص ۵. برای نظر مخالف رک: اردبیلی، محمدعلی، میزگرد پایانی اولین روز همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده به همایش)، پیشین، صص ۱۵۷-۱۵۸؛ آزمایش، علی، **تروریسم بین‌المللی**، مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی، سال اول، زمستان ۱۳۸۰، شماره ۲، ص ۱۶۹.

(Schmid, Alex. p, Jongmen, Albert. J, et al, *Political Terrorism, A New Guide to Actors, Authors, Concept, Data Base, Theories and Litature*, New Burnswick, Transaction Book, 1988, pp 5-6.

حاکم بر آن گروه‌ها بیشتر می‌شود. به موازات افزایش تقیدات و دلبستگی جوانان به دوستان و همسالان بزهکار، به همان میزان ممکن است تعهدات آنها نسبت به رعایت هنجارها و الزامات حاکم بر خانواده و مدرسه کاهش یابد؛ تا جایی که نسبت به هنجارها و قواعد مرسوم و الزامات اجتماعی بی‌اعتنا شوند و درصدد هر چه بیشتر کم‌رنگ کردن آنها برآیند.^۱ در خصوص نظریه مذکور در مباحث جرم‌شناسی به اندازه کافی سخن گفته شده است و فارغ از ایرادات آن، امروزه یکی از نظریه‌های پذیرفته‌شده در این حوزه است.

یکی از گزاره‌هایی که افراد عضو خرده‌فرهنگ برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، کسب مشروعیت یا مقبولیت اجتماعی است؛ به این معنا که اقدامات خشونت‌بار تروریستی به عنوان ابزاری برای نشان‌دادن خود به عنوان یک مبارز، معتقد، آزادی‌خواه یا هر فرد دارای احترام اجتماعی دیگر صورت می‌گیرد. تمایل مردان جوان برای گرایش به فعالیت‌های خشونت‌آمیز به منظور کسب مشروعیت اجتماعی توسط مردم‌شناسان مورد بررسی قرار گرفته است.^۲ این موضوع به‌ویژه در مواردی که اقدامات تروریستی با پوشش گسترده رسانه‌ای همراه می‌شود، بسیار مؤثرتر و کارا تر خواهد بود. با توجه به این واقعیت که یکی از اهداف اساسی در تروریسم ایجاد وحشت است و این کار را از طریق پوشش رسانه‌ای انجام می‌دهد، این پوشش خبری می‌تواند در هم‌پیمانان و افراد سمپات گروه، حس تحسین را برانگیزد.^۳

در کنار مشروعیت یا مقبولیت اجتماعی، تأیید گروهی نیز یکی از انگیزه‌های اساسی و مهم در ارتکاب اقدامات تروریستی است. بر این اساس، یکی از انگیزش‌هایی که هم در گروه‌های تروریستی و هم در گروه‌های بزهکار معمولی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ارزش‌هایی است که اغلب از رفاقت‌ها و عضویت در گروه‌ها ناشی می‌شود. این وابستگی به گروه و روابط شکل گرفته در آن به طور خاص در گروه‌های تروریستی خطرناک بیشتر قابل مشاهده است. به این معنا که

۱. ایار، علی، محمدرضا نظری و خانی، سعید، **بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم (مطالعه موردی**

زندان دره شهر)، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، زمستان ۹، شماره ۴۰، ص ۴۵.

2. Peterson, Dale and Richard Wrangham, *Demonic Males: Apes and the Origins of Human Violence* (New York: Mariner Books, 1997); Tiger, Lionel, **Men in Groups** (New York: Random House, 1969).

۳. رک: کارگری، نوروز و نسرين مهرا، **روان‌شناسی اقدامات تروریستی: هراس و هراس افکنی**، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۳۶.

افراد عضو گروه برای فداکردن خود در مقابل آرمان‌های گروه بر یکدیگر سبقت می‌گیرند و این نشان‌دهنده اعتباری است که برای روابط درون‌گروهی در نظر گرفته می‌شود. برخی از ویدئوهای منتشر شده از گروه تروریستی موسوم به داعش، مؤید این موضوع است که برگزیده‌شدن به عنوان اقدام‌کننده انتحاری باعث شعف در فرد منتخب شده و دیگر اعضای گروه این موضوع را با تهنیت گفتن به فرد نشان می‌دهند.

اقدامات گروهی و به‌ویژه فعالیت‌های گروهی تروریستی اقتضای وفاداری بی‌قید و شرط اعضای گروه نسبت به یکدیگر و نسبت به گروه را دارد و از این رو اگر گروه‌های تروریستی در پی نیل به اهداف و موفقیت در اجرای اقدامات خود هستند، باید بتوانند این وفاداری را به بهترین نحو ممکن در افراد ایجاد کنند و این معادل است با فدا شدن در راه آرمان‌های گروه یا برای حمایت از اعضای گروه. گرچه برخی از اقدامات تروریستی مانند اقدامات انتحاری تا حد زیادی نیاز به آموزش و یادگیری دارد، با این حال، این تعصب و غیرت اعضاست که آنها را تشویق به ارتکاب اقدامات انتحاری می‌کند و این تعصب از حس رفاقت و وفاداری اعضای گروه ناشی می‌شود و به همین دلیل است که انتحارکنندگان انفرادی کم هستند.^۱ در عوض مرتکبین این اقدامات بیشتر در فرایند برنامه‌ریزی‌های گروهی و در راستای اهداف گروه هستند و با هدف خدمت و همکاری در فعالیت‌های گروه مشارکت می‌کنند. با این حال، میزان اثرگذاری گروه‌ها بر اعضا، به منظور ایجاد این وفاداری بسته به ماهیت گروه یا شاید هدف تعریف‌شده گروه‌ها، متفاوت است. به عنوان نمونه، گروه‌های با مدیریت متمرکز معمولاً کوچک‌تر هستند و دارای سلسله‌مراتب قوی هستند و به صورت فشرده‌تر عمل می‌کنند و تحت نظارت شدید قرار دارند و از این رو تبعیت از اهداف و آرمان‌های گروه در آنها بیشتر است و در عوض گروه‌های گسترده و وسیع سازمان‌دهی ضعیف‌تری دارند. برخلاف سازمان‌های بزرگ و پیچیده، در گروه‌های کوچک و محدود تروریستی آگاهی اعضا از یکدیگر و از کل جریان جدی‌تر و از نزدیک است. چنین گروه‌هایی معمولاً مستقل عمل می‌کنند. ساختار تصمیم‌گیری در این گروه‌ها نیز عمدتاً هم‌دلانه و حاصل تشریک مساعی میان اعضای بالایی و میانی ساختار سلسله‌مراتبی آنهاست. اهداف

1. Pape, Robert A., *Dying to Win: The Strategic Logic of Suicide Terrorism* (New York: Random House, 2005); Stern, Jessica, *Terror in the Name of God: Why Religious Militants Kill* (New York: Harper-Collins, 2003).

چنین گروه‌هایی، در مقایسه با گروه‌های بزرگ بین‌المللی، در بیشتر مواقع، کوچکتر و دست‌یافتنی‌تر است.^۱

واقعیت موجود در تفاوت میان گروه‌های مختلف را می‌توان با توسل به ایده کلی مدیریت سازمانی توجیه کرد که بر اساس آن هر چه ارتباط فیزیکی بین اعضا و رهبران بیشتر باشد، وابستگی بین گروه و اعضا بیشتر است. یا آنکه گروه‌هایی که با اهداف ماورایی گره خورده‌اند، اغلب کشش و گرایش بیشتری را در بین طرفداران خود برای فداکاری ایجاد می‌کنند. برخی بر این باورند که گروه‌های تروریستی همانند گروه‌های بزهکار خیابانی به صورت خودبه‌خودی از پایین به بالا ظهور می‌کنند. گرچه در ادامه فرایند عضوگیری در آنها تابع یک برنامه‌ریزی خواهد بود که از بالا به پایین اعمال و اجرا گردد. از حیث مبنای شکل‌گیری، گروه‌های تروریستی متشکل از دسته‌ای از افراد هستند که اغلب در نتیجه دوستی ایجاد می‌شوند و بذر اقدامات خشونت‌بار تروریستی از آن جهت در این گروه‌ها رشد می‌کند که گروه در راستای رسیدن به اهداف خود ناکام مانده و با گرایش برخی از افراد گروه به سمت خشونت، سایر اعضای گروه تحت تأثیر تفکرات دیگر اعضا قرار می‌گیرند. این موضوع در خصوص گروه‌های جهادی در افغانستان به این صورت مصداق می‌یابد که وابستگی‌های اجتماعی یا روانی اعضا به یکدیگر بسیار بیش از فقر، باورهای مذهبی یا سرخوردگی‌های سیاسی در ظهور اقدامات تروریستی مؤثر است؛ چراکه مردان جوان عضو گروه از حس تعلق به یک گروه مخفی لذت می‌برند. این گروه‌ها با احساسات و حمایت اجتماعی متقابل، هویت مشترک و تشویق برای اتخاذ یک باور جدید، می‌توانند ابزار مؤثری برای اقدامات تروریستی محسوب شوند. تأثیر این محرک‌ها و اشتراکات داخلی گروه بسیار بیش از عوامل خارجی، مانند حس نفرت از عملکرد یک گروه خارجی، است.^۲ از آنجایی که شرکت در این اجتماعات بسیار صمیمی‌تر از اعتقادات مذهبی عمیق است، اعضای چنین گروه‌هایی در نهایت می‌توانند در مقایسه با پدران و اجدادشان در مقابل تأثیر فرهنگ غربی بسیار فعال‌تر و مقاوم‌تر باشند^۳ و چالش‌های تروریستی با تحولات زمانی جوامع پیچیده‌تر و شدیدتر شوند.

۱. مبلغی، عبدالمجید و طیبه محمدی کیا، پیشین، ص ۲۲۵.

2. Sageman, Marc, *Understanding Terror Networks* (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2004).

3. Ignatius, David, "Young Anger Foments Jihad," *Washington Post* (September 13, 2006e), p. A17.

نتیجه‌گیری

آن‌گونه که از حقوق کیفری انتظار می‌رود، با پذیرش اقدامات تروریستی به عنوان رفتاری مجرمانه، می‌بایست نسبت به تحلیل آن از حیث جرم‌شناختی نیز اقدام گردد و یکی از معمول‌ترین این تحلیل‌ها از مجرای تفسیر نظریه‌های جرم‌شناسی صورت می‌گیرد. نظریه‌های جرم‌شناسی بر اساس رسالت اولیه خود در پی یافتن و تشریح عوامل ارتکاب جرم هستند. با پذیرش اقدامات تروریستی به مثابه یک رفتار مجرمانه، عوامل تشریح‌شده در نظریه‌های جرم‌شناسی را می‌توان در برخی از موارد نسبت به این اقدامات نیز تسری داد. برخی از نظریه‌های مطرح شده در جرم‌شناسی به بررسی عوامل ذاتی در افراد می‌پردازند که گرچه شاید نتوان این عوامل همچون سن و جنسیت و نژاد را به عنوان یک عامل مستقل در بروز اقدامات تروریستی قلمداد کرد، لاقلاً می‌تواند در شناخت نیمرخ گروه‌های تروریستی بسیار مفید و مؤثر باشد. آن‌گونه که بسیاری از این دیدگاه‌ها می‌تواند در بُعد شناختی موضوع به عنوان مقدمه ضروری جهت سیاست‌گذاری در خصوص اقدامات تروریستی به ما کمک کند.

در کنار نظریه‌های مبتنی بر عوامل فردی، خواه ذاتی یا اکتسابی^۱، رویکردهای جامعه‌شناختی کاربرد و کارکرد بیشتری در توجیه اقدامات تروریستی دارند. نظریه‌های جامعه‌شناختی مبتنی بر محرومیت‌های اجتماعی و بیگانه‌گرایی سیاسی و اجتماعی از دسته این نظریه‌ها هستند که می‌توانند تا حدی توجیه‌کننده این اقدامات باشند. تفاوت برخاسته از این امر منجر به حاشیه‌نشینی اجتماعی برای گروهی خاص از افراد می‌گردد و به‌ویژه زمانی که با فقدان قابلیت گفتگو در یک جامعه همراه شود، اقدامات تروریستی را به عنوان ابزار مناسبی برای بیان دیدگاه‌ها یا اعتراض به وضع موجود مطرح می‌کند. با رسیدن به این شناخت از موضوع، می‌توان با اجتناب از فاصله‌گذاری‌های سیاسی و اجتماعی و تکیه بر عوامل وحدت‌زای اجتماعی تا حد زیادی از ظهور اندیشه‌های مبتنی بر خشونت جلوگیری کرد. گرچه در جامعه متکثر امروز شاید رسیدن به نقطه‌ای مشترک از همه اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها دشوار یا غیرممکن باشد، با این حال، فراهم آوردن مجال اعتراض به شیوه غیرخشونت‌آمیز می‌تواند جایگزین مناسبی باشد برای اعتراضات خشونت‌آمیز.

۱. برای مطالعه بیشتر رک: اسماعیلی، مهدی، **تروریسم از منظر اختلالات روان‌شناختی**، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ششم، بهار ۱۳۹۱، شماره ۲۰.

رویکردهای سیاسی به جرم شاید بیشترین کارکرد را در توضیح اقدامات تروریستی داشته باشند؛ چرا که دارای مبنای مشترک با این اقدامات هستند. این رویکردها اساساً جرم را محصول اقدامات سیاسی دولت‌ها می‌دانند و بی‌تردید با توجه به خاصیت و قابلیت سیاسی اقدامات تروریستی، این نکته در مورد فعالیت‌های تروریستی بیشتر مصداق خواهد داشت؛ به این معنا که تنها هدف آن نگهداشت قدرت است، خواه آنکه به طور مستقیم برای سرکوب مخالفان توسط دولت‌ها واقع شود یا آنکه به عنوان یک برچسب سیاسی برای غیر دانستن مخالفان و برخورد با آنها در قالب یک فرایند سیاسی یا حقوقی مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به این واقعیت می‌توان مردم‌سالاری را ابزاری برای مقابله با خشونت قلمداد کرد؛ به این معنا که هرچه از استبداد و اقتدارگرایی فاصله بگیریم و به سمت آزادی متمایل شویم، خشونت نیز به عنوان راهی برای سخن گفتن، کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. امیرخانی، رضا، **نیم دانگ پیونگ یانگ**، نشر افق، چاپ اول ۱۳۹۸.
۲. بورینه، ژاک، **تجزیه و تحلیل اقتصادی تروریسم**، ترجمه علیرضا طیب، در: تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، گردآوری و ویرایش علیرضا طیب، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۳. گزارش کمیته مأمور مطالعه در امر خشونت و بزهکاری، **پاسخ‌هایی به خشونت**، ترجمه مرتضی محسنی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸.

مقاله

۴. اتنهف، رنالد، **رهیافت جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی به تروریسم (تحلیل جرم‌شناختی تروریسم)**، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، بهار و تابستان ۱۳۸۳.
۵. اردبیلی، محمد علی، **میزگرد پایانی اولین روز همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل** (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه‌شده به همایش)، چاپ روزنامه رسمی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱.
۶. اسماعیلی، مهدی، **تروریسم از منظر اختلالات روان‌شناختی**، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ششم، بهار ۱۳۹۱، شماره ۲۰.
۷. ایار، علی، محمدرضا نظری و سعید خانی، **بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم (مطالعه موردی زندان دره شهر)**، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، زمستان ۹، شماره ۴۰.
۸. آزمایش، علی، **تروریسم بین‌المللی**، مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی، سال اول، زمستان ۱۳۸۰، شماره ۲.

۹. بابایی، محمد علی و علی نجیبیان، **چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم**، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۷۵.
۱۰. شاملو، باقر، **تفکیک بین تروریسم و جرم سیاسی**، در: تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده به همایش) چاپ روزنامه رسمی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱.
۱۱. صفاری، علی، **انتقادات وارده به پیشگیری وضعی از جرم**، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۵، پاییز ۱۳۸۰، شماره ۱۳۰.
۱۲. صفاری، علی و راضیه صابری، **ضوابط حقوقی-جرم‌شناختی پیشگیری وضعی از جرم**، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، پاییز - زمستان ۱۳۹۳، شماره ۸.
۱۳. عباس‌زاده، محمد، محمدباقر علیزاده اقدم و سید رضا اسلامی بناب، **بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی**، مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱.
۱۴. علیپوردی نیا، اکبر و منا علیمردانی، **کاربست تجربی نظریه فعالیت‌های روزمره در بررسی رفتارهای انحرافی دانشجویان**، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و هشتم، شماره پیاپی ۶۷، پاییز ۹۶، شماره ۳.
۱۵. کارگری، نوروز، **تروریسم و حقوق بشر**، فصلنامه تعالی حقوق، سال چهارم، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، شماره ۱۵.
۱۶. کارگری، نوروز، **دین و جرم (با تأکید بر ارتباط اسلام و جرایم تروریستی)**، فصلنامه تعالی حقوق - شماره ۱۱ - خرداد و تیر ۱۳۹۰.
۱۷. کارگری، نوروز و نسرین مهرا، **روان‌شناسی اقدامات تروریستی: هراس و هراس افکنی**، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۳۶.
۱۸. مبلغی، عبدالمجید و طیبیه محمدی کیا، **روان‌شناسی اجتماعی تروریسم و نسبت آن با امنیت (بررسی تروریسم از منظر روان‌شناسی اجتماعی و تحلیل رابطه آن با امنیت)**، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۲۱.

۱۹. مهرا، نسرین و نوروز کارگری، **تروریسم و حقوق کیفری**، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، پاییز-زمستان ۱۳۹۳، شماره ۸.
۲۰. مهرا، نسرین . نوروز کارگری، **تروریسم یک نشانه روانی-اجتماعی یا یک ابزار سیاسی**، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۸.
۲۱. نایبی، هوشنگ، سعید معیدفر، سید حسین سراجزاده و ایرج فیضی، **تنوری آنومی دورکیم و مرتن؛ شباهت‌ها، تفاوت‌ها و شیوه‌های اندازه‌گیری**، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفدهم، پاییز ۹۶، شماره ۶۶.

پایان‌نامه

۲۲. نقدی، حجت، «حقوق بین‌الملل و مبارزه با تروریسم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۳۷۵.

ب) منابع انگلیسی

Books

1. Agnew, Robert, *Why Do Criminals Offend? A General Theory of Crime and Delinquency* (Los Angeles: Roxbury, 2005).
2. Ahmed, Akbar S. and Brian Forst, editors, *After Terror: Promoting Dialogue among Civilizations* (Cambridge: Polity Press, 2005).
3. Ahmed, Akbar S., *Islam under Siege* (Cambridge: Polity Press, 2003).
4. Ahmed, Akbar S., *Journey into Islam: The Crisis of Globalization* (Washington, DC: Brookings Institution Press, 2007).
5. Bawer, Bruce, *While Europe Slept: How Radical Islam is Destroying the West from Within* (New York: Doubleday, 2005).
6. Cloward, Richard and Lloyd Ohlin, *Delinquency and Opportunity: A Theory of Delinquent Gangs* (New York: Free Press, 1960).
7. Cohen, Albert K., *Delinquent Boys: The Culture of the Gang* (New York: Free Press, 1955).
8. Hirschi, Travis, *Causes of Delinquency* (Berkeley, CA: University of California Press, 1969).
9. Joseph E. Stiglitz and Linda J. Bilmes, *The Three Trillion Dollar War: The True Cost of the Iraq Conflict* (New York: W.W. Norton, 2008).

10. Kepel, Gilles, *The War for Muslim Minds: Islam and the West* (Cambridge, MA: Harvard University Press, 2005).
11. Kohut, Andrew and Bruce Stokes, *America against the World: How We Are Different and Why We Are Disliked* (New York: Times Books, 2006).
12. Mednick, Sarnoff, Terrie E. Moffitt and Susan A. Stack, *The Causes of Crime: New Biological Approaches* (New York: Cambridge University Press, 1987).
13. Pape, Robert A., *Dying to Win: The Strategic Logic of Suicide Terrorism* (New York: Random House, 2005).
14. Peterson, Dale and Richard Wrangham, *Demonic Males: Apes and the Origins of Human Violence* (New York: Mariner Books, 1997).
15. Roy, Olivier, *Globalized Islam: The Search for a New Ummah* (New York: Columbia University Press, 2004).
16. Russell, Charles and Bowman Miller, "Profile of a Terrorist," in Lawrence Freedman and Yonah Alexander, editors, *Perspectives on Terrorism*, (Lanham, MD: SR Books, 1983).
17. Sageman, Marc, *Understanding Terror Networks* (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2004).
18. Sampson, Robert J. and John H. Laub, *Crime in the Making: Pathways and Turning Points Through Life* (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1993).
19. Schmid, Alex. p, Jongmen, Albert. J, et al, *Political Terrorism, A New Guide to Actors, Authors, Concept, Data Base, Theories and Literature*, New Burnswick, Transaction Book, 1988.
20. Stern, Jessica, *Terror in the Name of God: Why Religious Militants Kill* (New York: Harper-Collins, 2003).
21. Sullivan, Kevin and Joshua Partlow, "Young Muslim Rage Takes Root in Britain" *Washington Post* (August 13, 2006).
22. Wilson, James Q. and Richard J. Herrnstein, *Crime and Human Nature: The Definitive Study of the Causes of Crime* (New York: Free Press, 1998).
23. Wright, Lawrence, *Looming Tower: Al-Qaeda and the Road to 9/11* (New York: Knopf, 2006).

Articles

24. Abadie, Albert, "Poverty, Political Freedom, and the Roots of Terrorism," *NBER Working Paper* No. W10859 (October 2004); also available at <http://ksghome.harvard.edu/~aabadie/povterr.pdf>
25. Agnew, Robert, "Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency," *Criminology*, Vol. 30, No. 1 (February 1992).
26. Barro, Robert, "The Myth that Poverty Breeds Terrorism," *Business Week* (June 10, 2002); also available at http://www.businessweek.com/magazine/content/02_23/b3786027.htm;
27. Belasco, Amy, "The Cost of Iraq, Afghanistan, and Other Global War on Terror Operations since 9/11" (Washington, DC: Congressional Research Service, November 9, 2007).
28. Bursik, Jr., Robert J., "Social Disorganization and Theories of Crime and Delinquency: Problems and Prospects," *Criminology*, Vol. 26 (November 1988).
29. Ignatius, David, "Young Anger Foments Jihad," *Washington Post* (September 13, 2006e).
30. Krueger, Alan, "What Makes a Terrorist?" (Princeton, NJ: Princeton University Press, 2007).
31. LaFree, Gary and Laura Dugan, "How Does Studying Terrorism Compare to Studying Crime?" in *Terrorism and Counter-Terrorism: Criminological Perspectives*, edited by Mathieu Deflem (Amsterdam: Elsevier, 2004).
32. Laqueur, Walter, "The New Terrorism Fanaticism and the Arms of Mass Destruction", New York: Oxford University Press, 199.
33. Laub, John H. and Robert J. Sampson, Shared Beginnings, "Divergent Lives: Delinquent Boys to Age 70" (Cambridge, MA: Harvard University Press, 2006).
34. Leiken, Robert S., "Europe's Angry Muslims," *Foreign Affairs* (July–August 2005).
35. Makau, Mutua, "Savages, victims and saviors: The metaphor of human rights", 42 *harv. Int'l L.J.*, 201 (2001).
36. Merari, Ariel, "Social, Organizational and Psychological Factors in Suicide Terrorism", in Bjorgo, Tore (ed), *Root Causes Terrorism: Myths, Reality and Ways Forward*, London and New York, Rutledge, 2005.
37. Posner, Richard A., "The 9/11 Report: A Dissent," *New York Times* (August 29, 2004).

38. Raine, Adrian, "The Biological Basis of Crime," in *James Q. Wilson and Joan Petersilia, editors, Crime: Public Policies for Crime Control* (Oakland, CA: ICS Press, 2002).
39. Sunstein, Cass R., "Fear Factor," *Los Angeles Times* (March 10, 2003).
40. *Continuity and Change*, Gary LaFree, editor (Washington: U.S. Department of Justice, 2000).
41. Tolson, Jay, "An Education In Muslim Integration: Could Islamic Schools Be Part of the Solution?" *U.S. News & World Report* (November 21, 2005).
42. Walker, Martin, "Europe's Mosque Hysteria," *Wilson Quarterly* (Spring 2006).